

تحصیلات قدیمه

بحث در چگونگی و ارزش واقعی علوم و فنونی بود که بنام (تحصیلات قدیمه) معروف شده و تا نیم قرن پیش موجب رونق مدارس قدیم و آن ساختمانهای زیبا و روح افزا بود که از درآمد اوقاف برایگان هزاران محمد بن زکریای رازی - بوعلی سینا خواجده نصیردرهرعلم و فنی پرورش میداد و هزینه این کاربار دوش دولتها نبود .
 علمیکه هشتصد سال در اسپانیا بوسیله دانایان مسلمان میدرخشید و آثاری چون (الحمراء) از خود بیادگار گذاشت .

آنچه تحصیلات قدیمه نامیده میشود با ایمان و اخلاق و تقوی توأم بود و بر مبانی حکمت و عقل در خانه علماء و استادان روز و شب باز بود برایگان به دانش طلبان تعلیم میدادند و شاید همان روز که مدرسه و عالمی صدها نفر را درس میداد قوت و خوراک روز یا شب خود را نداشت .

پزشک از طلوع آفتاب تا نصف النهار بیماران درمان مینمود و شاید بقدر کفایت یک وعده غذا در این مدت درآمد نداشت همینطور عالمان و محاضر زیر اصل خدمت بمردم برای تقرب با فریدگاریکتا بود .

ادبیات زبان دل مردم بود - خط - لغت - موسیقی - شعر - خطابه - علوم و حکمت امثال و سیر و تاریخ را یک ادیب و یا شاعر میدانست .

کتابهای ادبی و دیوان شاعران آنچه بجا مانده و از بیغماگری مهاجمان در امان بوده و بار سفر بدیار فرنگ و کتابخانههای مغرب زمین بسته آنقدر زیاد است و از گنجهای شایگان لبریز که دیگر جای سخن برای نوجویان باقی نگذارده است .

فقه اسلامی بقدری همد جانبه و با همه موارد زندگانی و مسائل اجتماعی مطابقت دارد که بحق میتوان گفت ورزیده ترین حقوق جهانی است و در مسائل مختلفه علمی و دانیان اسلام دنباله کارپیشینیان را گرفتند .

علوم اسلامی بدو بخش تقسیم میشد ، رشته منقول و آن عبارت بوده از فقه - اصول کلام - تفسیر - علوم ادبی - علم الدواید - منطق و فلسفه - الهیات عام . تاریخ ادبیات عرب ، تاریخ ملل و - دیانت اسلام - فقه الحدیث و در رشته معقول علم کلام - منطق و حکمت و عرفان مورد بحث بوده ، و در رشته علوم ادبی صرف و نحو معانی و بیان بطور کامل مورد نظر بوده است و بدون تردید هندسه و نجوم و ریاضی و پزشکی و اصول تداوی - هنرهای زیبا - جرواقتال یا مکانیک - جانورشناسی - گیاه - شناسی - زمین شناسی - علم ابدان را از نظر دور نداشته بودند . چون سبک تدریس این مدارس با وضع برنامه های اروپائی یکسان نیست نمیتوان اصول تعلیم آزاد را انکار نمود .

آنانکه در مدارس با اصطلاح قدیم درس میخواندند یا میخوانند غرضشان این نیست که مانند یک مصنوعی از کارخانه ای پرداخت شده یا بیرون آیند و بگویند این منم طماوس علین شده . و هنوز بنیان عقلی و منطقی و طرز تفکر شرقی و ممالک اسلامی و افتخاراتی که دارند اروپائیان در باره یکایک آنها کتابها نوشته اند موجب بقای اجتماعی آنها است و در تعالیم اخلاقی و دینی خانداری و اقتصاد و سایر نیازهای دیگر مورد نظر بوده است و بدیهی است هر کاری از ریشه و بن آن شروع شود نتیجه نیکو و با ثمری بدست میدهد .

بهریک از نواحی علوم (آنجا که تحصیلات قدیمه نام گرفته است) توجه کنیم اندیشه و عمق نظر و عنایت و توجه کامل را بکشف حقیقت پیدا میکنیم .

در تبلیغات علمی بالاتر از آنچه در فرهنگ اسلام است نمیتوان یافت دلایل عقلی بهر فضیلت علم و کمال دانش .

و اگر بخواهیم ارزش تحصیلات قدیمه را انکار کنیم و از حکمت و تقسیم آن به علم و عمل چشم بدپوشیم باید میلیونها کتاب را نادیده انگاشته فقط بدانستن يك زبان بیگانه و یافتن سوادى در حدود خواندن مطالب عادى اکتفا کنیم زیرا بدیهی است که علوم جدید یعنی ترقیاتی که در علوم قدیمه در سیر تاریخ اخیر پدید آمده و قتی بدرستی ذهنی و مفهوم برای ما خواهد شد که از زبان و فهم خودمان با آن آشنا شویم و در مغز ما جایگیر شود ورنه بسان نوار ضبط صوت میمانیم که مطالبی را میخواند بدون آنکه خود درک مفاهیم و مصادیق آنرا بنماید .

قریب یک قرن است که تمدن اروپائی بتدریج در خاور میانه و کشور ما راه یافته دلیل آنکه هنوز دانشمندان اصیل و استادانی که بتوانند با زبان و رنگ مدنیت ملی از این تمدن عالی بهره برداری کنند وجود نیافتد برای اینست که دانشجویان ما از تحصیلات قدیمه بی اطلاع مانده اند .

تغییر دادن لغات و بیرون ریختن کلماتی که ده قرن کمتر یا بیشتر دریاخته های مغز جای گرفتند - پیکار با علوم قدیمه اینها بسود ما تمام نمیشود .

تمام اندیشه های نوجوئی در برابر ادب و فروزان و عرفان و ذوق سلیم ایرانی بقدر پرکاهی ارزش ندارد .

فرهنگ ما باید فاعل باشد نه منفعل باید دانش بگیرد و در ظروف خاص معارف قدیم بریزد تا قائم بذات باشد . ورنه اجتماع ضدین پیش میاید و ممتنعات را نمیتوان با تقلید پذیرفت همین نوجوئیها که اقتباس ناقص و غیر مفهوم از شرایط روانی و جغرافیائی و تاریخی دیگران است (در این جا که مقتضیات و شرایط دیگری دارد و قدیمی و

موروثی است و از جوهر و عرض ما دور است) رنگ ثابت و دلپذیر نخواهد گرفت جز آنکه ملکه نفسانی و شوق ذاتی نژادی ما را برای تأمین اغراض از رشد باز میدارد و درمشارع عموم یک حالت پریشانی و بیماری ایجاد میکنند.

دلیل روانی این موضوع روشن است زیرا آدمی میان لذت و الم در نوسان است و این دو حالت را وقتی از فعالیت بازداشتند دیگر احساسی باقی نمیماند که انسان معنی زندگی و حیات واقعی را درک کند و این نکته بد ثبوت رسید که هر جسمی میل طبیعی آن قویتر باشد در پذیرفتن اثر خارجی مقاومت نشان میدهد و این نکته را در پیوندهای اخیر جسمانی پزشکان دریافته اند که گذاردن قلب دیگری در جسم انسان زنده‌ای بستگی تام بتوافق تمایلات طبیعی و شیمیائی دارد ورنه این عمل بیفایده است و در گروه خون نیز این امر با ثبات رسیده است.

بنا بر این تحصیلات قدیمه ماید و روان ماست و نباید بر ضد طبیعت پیکار نمود زیرا همیشه طبیعت پیروز است مگر آنکه از راه نوایس آن آدمی از در سازش با او درآید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اهل حقیقت و ارباب طریقت محلی را خانقاه گویند که غیاب و حضور دوست و دشمن در آنجا مساوی بود و فسق و زهد مقبل و منکر یکسان. اهلس عیوب خالق را پرده اغماض ستارند و ساکنانش اسرار مردم را بنظر فیاضی نگهدار.

(صیفعلی شاه)